

## آشفته‌گی ترامپ، عقلانیت ایران



سعید علیخانی  
تحلیلگر مسائل بین‌المللی

در نزدیک به ۴ دهه گذشته، روابط میان ایران و آمریکا همواره تیره و پرتنش بوده است. با این حال همین تیرگی و تنش نیز فراز و فرودهایی داشته است که هیچگاه به درگیری فزاینده و جدی نظامی منجر نشده است. هر چند استعمال اصطلاح «گزینه نظامی» در میان رؤسای جمهور آمریکا تازه‌ای نیست، با این حال همزمان با آمدن ترامپ، دغدغه و گمانه زنی برخی تحلیلگران در مورد امکان وقوع یک مواجهه نظامی میان ایران و آمریکا موضوعیت یافته است. آن دسته از تحلیلگرانی که بر موضوع حمله نظامی متمرکز شده اند و از احتمال بالای آن سخن می‌گویند، دلایل ذیل را به عنوان پیش‌مقدمه، در نظر گرفته‌اند:

تلاش دولت ترامپ برای بی‌ثمر دانستن برجام از طریق رصد فعالیت‌هایی که به زعم این دولت می‌تواند ناقض برجام یا قطعنامه‌هایی چون قطعنامه ۲۲۳۱ باشد. مانور اخیر دولت ترامپ برای زیر سؤال بردن آزمایش‌های موشکی ایران به‌عنوان ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ از جمله این موارد بود که باعث شد «مایکل فلین» (مشاور مستعفی امنیت ملی دولت ترامپ) اعلام کند که ایران به دلیل انجام آزمایش موشکی اخیرش زیر ذره بین است. قرار گرفتن نام ایران در فهرست هفت کشوری که محدودیت‌های منع ورود به آمریکا شامل حال شهروندان آن شده است. این قانون از آن رو که ذیل اقدامات و تدابیر دولت آمریکا در مبارزه با تروریسم تعریف شده است به مثابه تلقی رسمی ضد امنیتی آمریکا از ایران است و می‌تواند مبنای ادعاهای بعدی باشد. تلاش آمریکا در اثبات اقدام نظامی مستقیم ایران یا نیروهای همسو با این کشور علیه آمریکا. موضوع حمله نیروهای حوثی به یک ناوسعودی یکی از مصادیق این تلاش است. ماجرای که «شان اسپایسر» سخنگوی کاخ سفید عامدانه و به دروغ آن را حمله به یک ناو آمریکایی عنوان کرد!

ترکیب و چینش مهره‌های دولت ناسیونال پوپولیست آمریکا در کنار این عوامل به مثابه یک کاتالیزور عمل می‌کند.

این دسته از تحلیلگران با وجود اذعان به برخی محدودیت‌های قانونی رئیس‌جمهوری آمریکا معتقدند که دونالد ترامپ، امکان و فضای لازم برای غلبه دادن فرد بر سیستم را یافته است و نباید از یاد برد که وی از اختیاراتی همچون اعزام نیروی نظامی بدون تصویب کنگره، خروج از پیمان‌های نظامی و معاهدات (با ارائه دلایل متقن به کنگره در مورد زیانبار بودن آن) نیز برخوردار است. این اختیارات به تنهایی می‌تواند دست ترامپ را برای پیشبرد اهداف خود باز بگذارد ضمن اینکه در تقابل‌های قانونی احتمالی، کفه ترازو به نفع هواداران جمهوریخواه ترامپ در کنگره است. این دسته از تحلیلگران در گام بعدی خود با مفروض قرار دادن اختیارات گسترده ترامپ به آنالیز شخصیت او از منظر روانشناسی سیاسی می‌پردازند. روانشناسان سیاسی ترامپ را فردی ساختارشکن می‌دانند. او معتقد به نوعی از سیاست ارجحیت ملی یا شئون‌سیسم رفاهی با چاشنی ایدئولوژی راست افراطی است. جهان بینی ترامپ مبتنی بر دوانگاری (خیر و شر)، گرایش به الگوی بدبینانه «عدم حسن نیت ذاتی»، ناسازگاری، احساس ناامنی دائمی، توهم خود برتر پنداری و نوعی شیدایی (اختلال روانی دوقطبی) است که عنصر ثبات در تصمیم‌گیری و رویکرد مهم‌ترین شخصیت آمریکا را دستخوش هیجانات تند می‌کند. در نتیجه عجیب نیست که رفتارهای تنش‌زای ترامپ گاه بشدت متناقض است. چنین شخصیتی میل دائمی به جلب توجه و ورود به ماجراجویی دارد بی‌آنکه برخلاف تصور عموم مبتنی بر تاجر مسلک بودن ترامپ، وقتی این روحیه در حوزه سیاست عمومی وارد می‌شود به ندرت دغدغه نفع و زیان جامعه و کشور را در نظر می‌گیرد. در کنار این موضوع از یاد نبریم که حلقه مشاوران ترامپ را چهره‌هایی عملگرا با عقایدی بشدت تند و افراطی تشکیل داده‌اند. مایکل فلین، مشاور امنیت ملی ترامپ به صراحت از ایدئولوژی‌های سرطانی سخن می‌گفت



ادعای «جیمز ماتیس» وزیر جدید دفاع آمریکا - ملقب به «سگ دیوانه» - مبنی بر اینکه ایران بزرگترین حامی تروریسم است. تحریم‌های جدید ایران. ۳۰ فوریه سال جاری، ۲۵ فرد و نهاد مرتبط - که گفته می‌شد با فعالیت‌های موشکی ایران در ارتباطند - از سوی دولت آمریکا تحریم شدند.

جانبداری مستقیم از رقبای منطقه‌ای ایران از طریق اعلام حمایت مستقیم از آنان و درج نشدن نام این کشورها در فهرست ممنوعیت ورود به آمریکا (با قانون جاستا و فضای پیش از ترامپ مقایسه شود). رزمایش (یونینفاید تریدن) مشترک اخیر آمریکا، بریتانیا، فرانسه و استرالیا در آب‌های خلیج فارس.

تمام این دلایل که به‌عنوان عوامل مؤثر در تقویت احتمال مواجهه نظامی آمریکا با ایران بر شمرده می‌شوند، البته رویدادهای تازه‌ای نیستند و کم‌وبیش در دولت‌های پیشین آمریکا نیز وجود داشته‌اند، در منظر تحلیلگرانی که از تقویت احتمال استفاده آمریکا از گزینه نظامی علیه ایران سخن می‌گویند اما،

کرد. بنابراین ایده آرمانی بنن سرپیچی از ساختار و قانون در جهت ایده‌های شخصی و افراطی است. بنن بارها ارزش‌های بنیادین آمریکا را به چالش گرفته است. او به تقابل میان دنیای یهودی - مسیحی با دنیای اسلام و ناگزیری بروز یک جنگ مقدس باوری عمیق دارد و هشدار داده است که مسیحیان باید هر چه سریعتر برای این تقابل آماده شوند. مایک پومپو، رئیس کنونی سیا، تنها یک روز پیش از معرفی به این سمت در صفحه توییتر خود نوشته بود: «منتظر عقبگرد از این توافق فاجعه‌بار با بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان هستیم.» او همان کسی است که برای اثبات به اصطلاح عدم صداقت ایران (بهمین ۱۳۹۴) به همراه لی زدلین، نماینده جمهوریخواه نیویورک، و فرانک لوبیوندو، نماینده جمهوریخواه از ایالت نیوجرسی؛ با حضور در دفتر حافظ منافع کشورمان در واشنگتن خواهان دریافت ویزای سفر به ایران شدند. ژنرال ماتیس مشهور به «سگ دیوانه» وزیر دفاع آمریکا نیز عضوی دیگر از این حلقه است که همین عنوان برای درک رویکرد او کافی است.

جدای از آنچه گفته شد، سابقه همراهی و حمایت‌های مالی رقبای منطقه‌ای ایران در صورت اتخاذ رویکرد خصمانه علیه ایران، نگرانی آمریکا از قدرت گرفتن روسیه (به رغم تظاهر به دوستی با روسیه که می‌تواند راهبردی برای جدا کردن آن از همپیمانان با ایران باشد) در کنار نیاز دولت ترامپ برای فزاینده مشکلات ناشی از تعارض با جامعه مدنی به خارج از مرزها و ایجاد فضای ناامنی، از مجموعه عواملی هستند که برخی تحلیلگران را به پیش‌بینی امکان بروز یک درگیری نظامی سوق می‌دهد. در مقابل اما برخی دیگر از تحلیلگران معتقدند که ساختار سیاسی آمریکا بر اساس «کنترل و موازنه» شکل گرفته که در آن مخالفت‌های جامعه مدنی جنبه نمادین دارد اما ارکان‌های حاکمیتی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار می‌توانند مانع اقدامات افراطی شوند و همین مانع ایفای نقش انحصاری فردی چون ترامپ است. بر این اساس در بسیاری موارد قدرت مجلس در آمریکا (کنگره یا سنا) بر قدرت رئیس‌جمهوری برتری دارد و رئیس‌جمهوری فاقد قدرت مطلق است. برای مثال رئیس‌جمهوری آمریکا از عزل مصون نیست، وزیران کابینه‌اش باید مورد تأیید سنا قرار گیرند، امکان استیضاح و زاریش توسط مجلس وجود دارد، قدرت انحلال مجلس را ندارد، و توأماً می‌تواند توسط مجلس لغو شود، حق قانونگذاری اضطراری ندارد، حق قانونگذاری در حوزه‌های خاص ندارد، فرمان‌های او از تجدید نظر قضایی مصون نیست، حق اعلام جنگ بدون تأیید مجلس را ندارد، معاهدات بین‌المللی را باید به تأیید سنا برساند و تعیین قضات عالی و رئیس بانک مرکزی را باید با تأیید سنا انجام دهد بنابراین ورود از سر هیجان یا روحیات توفنده شخصی در منازعات سر نوشت‌سازی چون درگیری نظامی با ایران نمی‌تواند امری قطعی و ساده در نظر گرفته شود. بخشی از این تحلیلگران نیز اگر چه معتقدند که بی‌تدبیری یا افتادن به دام جنگ افروزی دولت آمریکا از سوی ایران امکان بروز یک درگیری موقت و ایذایی را فراهم می‌کند اما الگوی رفتاری ترامپ با وجود ظاهر ساده لوحانه‌اش تبعیت از الگوی «مرد دیوانه» (Madman Theory) است؛ الگویی در سیاست خارجی که به ریچارد نیکسون، سی‌وهفتمین رئیس‌جمهوری آمریکایی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴، برمی‌گردد. تئوری «مرد دیوانه» در دوران اومبنتی بر رویکردی هوشمندانه اما ساده بود که می‌کوشید رهبران شوروی سابق را متقاعد کند که رفتار آمریکا ممکن است غیر منطقی و بشدت متغیر باشد در نتیجه رهبران شوروی را وادار می‌کرد تا از هراس بروز تنش با نتایج فاجعه‌بار از تحریک طرف مقابل بپرهیزند.

اگر چه بیشتر تحلیلگران به ناگزیری آمریکا از التزام به برجام معتقدند و آمریکا دوران ترامپ را امریکایی دستخوش بحران‌های داخلی از جمله از هم گسیختگی اجتماعی می‌دانند در عین حال بر این نکته تأکید دارند که اتفاق نظر جهانی بر حاشیه‌نشینی عقلانیت و تفوق افراط در دولت ترامپ، فضای مناسبی را برای ایران فراهم کرده است. این فضای مناسب اما در تحریک (نظامی یا نقض برجام و...) تصمیم‌گیران هیجان زده دولت آمریکا و کمک به ائتلافی ناخواسته به نفع ترامپ نیست بلکه ایران در شرایط کنونی می‌تواند با پایبندی به موازین بین‌المللی و تقویت روابط خود با اروپا و امریکای شمالی، جزئی از موج پیا خاسته و اعتراضی ملت‌ها و دولت‌ها علیه رویکردی باشد که یک تنه علیه عقلانیت، اعتدال و همگرایی شوریده است.